



## Designing and Explaining the Economic Anti-Fragility Monitoring Model for Achieving Moqawama Economy

**Ali Asghar Sadabadi\***

Assistant professor, Institute for Science and Technology Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

**Zohreh Rahimi Rad**

PhD in Science and Technology Policy-Making, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

**Kiarash Fartash**

Assistant professor, Institute for Science and Technology Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 29/02/2020

Accepted: 24/04/2020

### Abstract:

Moqawama economy, as a desirable economic model for Iran, needs to achieve anti-fragility. Economic Anti-fragility refers to the things that a vulnerable or fragile economy must implement to reduce its vulnerability. In fact, this concept means that resources and capacities should be adjusted and positioned in such a way that the possibility of hitting them is minimized, and in addition, positive achievements can be gained. Despite the numerous problems of Iran economy; so far, a set of indicators has not been designed to monitor the anti-fragility of the Iranian economy. For this purpose, the present study has extracted and explained the dimensions and indicators of economic anti-fragility to achieve a Moqawama economy using a fuzzy delphi methodology and content analysis. In this regard, the literature related to economic anti-fragility was first analyzed for content and data mining. Thus, the basic key dimensions of anti-fragility and the components of each of these dimensions were extracted. This framework was finally finalized through the expertise of 21 experts in this field and employing fuzzy delphi technique. Therefore, the economic anti-fragility monitoring model consisted of 3 dimensions, including economic, social, and political, along with 36 sub-indicators. Finally, each of the dimensions and components of anti-fragility were defined and examined. These anti-fragility indicators can help defining policies to understand how each sector operates.

**Keywords:** Economic Anti-fragility, Moqawama Economy, Fuzzy Delphi, Thematic Analysis.

---

\* Corresponding Author, Email: a\_sadabadi@sbu.ac.ir

Original Article

DOI: 10.22034/jipas.2020.250975.1110

Print ISSN: 2676-6256

Online ISSN: 2676-606X

# طراحی و تبیین مدل پایش ضد شکنندگی اقتصادی برای نیل به اقتصاد مقاومتی

علی اصغر سعدآبادی\*

استادیار پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

زهره رحیمی‌راد

دکترای سیاستگذاری علم و فناوری، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.

کیارش فرتاش

استادیار پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰



**چکیده:** اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی اقتصاد مطلوب کشور، نیازمند دستیابی به ضدشکنندگی است. ضدشکنندگی اقتصادی به مواردی اطلاق می‌شود که یک اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده باید به اجرا بگذارد تا آسیب‌پذیری آن کاهش یابد؛ در واقع منابع و ظرفیت‌ها طوری تنظیم و جابجایی شوند که احتمال ضربه به آنها به حداقل برسد و بتوان عواید مثبتی نیز به دست آورد. به رغم مشکلات متعدد اقتصاد کشورمان، تاکنون مجموعه شاخص مدونی برای رصد و پایش میزان ضدشکنندگی اقتصاد ایران طراحی نشده است. بدین منظور پژوهش حاضر به استخراج و تبیین ابعاد و شاخص‌های ضد شکنندگی اقتصادی برای نیل به اقتصاد مقاومتی با استفاده از روش دلفی فازی و تحلیل مضمون پرداخته است. در این راستا، نخست ادبیات مرتبط با ضدشکنندگی اقتصادی مورد تحلیل مضمون و داده‌کاوی قرار گرفت و سپس ابعاد کلیدی اولیه ضدشکنندگی و مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد استخراج شد. در ادامه از طریق خبره‌سنجی ۲۱ نفر از خبرگان این حوزه و بکارگیری تکنیک دلفی فازی، این چارچوب نهایی شد. بدین ترتیب مدل پایش ضدشکنندگی اقتصادی مشتمل بر ۳ بُعد شامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همراه با ۳۵ شاخص ارائه شد. در پایان نیز هر کدام از ابعاد و مؤلفه‌های ضدشکنندگی تعریف و بررسی شدند. این شاخص‌های ضدشکنندگی می‌توانند برای تعریف خط‌مشی‌ها در جهت شناخت عملکرد هر بخش، کمک‌کننده باشند.

**واژگان کلیدی:** ضد شکنندگی اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، دلفی فازی، تحلیل مضمون.

\* نویسنده مسئول: a\_sadabadi@sbu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/jipas.2020.250975.1110

شاپا چاپی: ۶۲۵۶-۲۶۷۶

شاپا الکترونیک: ۶۰۶X-۲۶۷۶

## ۱. مقدمه

محیط امروز به واسطه جهانی شدن، بیش از پیش پیچیده، پویا و غیرقابل پیش‌بینی شده و افزایش اضمحلال جوامع در مقابله با هر شوک یا بحرانی را به دنبال داشته است. بنابراین از تفکرات و راهبردهای خطی که در محیط‌های ثابت به کار گرفته می‌شد، نمی‌توان در شرایط امروز بهره جست. امروزه پژوهشگران با استفاده از مطالعات سیستمی، جامعه را به‌سان سیستم‌های پیچیده تطبیق‌پذیر می‌دانند که دارای سطوح چندگانه و تودرتویی است. سیاست کلان اقتصاد مقاومتی نیز در پاسخ به بحران‌های حاصل تدوین شده تا با افزایش ظرفیت درونی کشور به مقابله با انواع تهدیدات و بحران‌ها، خصوصاً از منظر اقتصادی بپردازد. به اعتقاد محققان، در یک اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگوی اقتصادی مطلوب، باید شکنندگی‌های آن اقتصاد مرتفع شود؛ به طوری که می‌توان گفت رفع شکنندگی‌های اقتصاد، جزئی از کارویژه اقتصاد مقاومتی خواهد بود (رزم آهنگ، ۱۳۹۶).

شکنندگی از نظر لغوی، به معنای توانایی شکست یا خرابی آسان تعریف شده است و برخی محققان، شکنندگی را برای اقتصاد به‌خانهای شیشه‌ای تشبیه کرده‌اند که در مواجهه با تنش سختی قسمتی از آن خواهد شکست (Vallings & Moreno-Torres, 2005). مفهوم «کشور شکننده»<sup>۱</sup> از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث توسعه‌ای گشته است. در قرن بیست‌ویکم و با گسترش تعاملات کالا و خدمات، موقعیت‌های خطرآفرین و شکننده نیز تغییر کرد و عوامل دیگری در دهه اخیر باعث ایجاد یک بحران در اقتصاد شده است که از جمله آن می‌توان به بحران اقتصادی اخیر اتحادیه اروپا در شرایط رکود اقتصادی اشاره کرد؛ به گونه‌ای که برخی از کشورهای عضو این اتحادیه با تأثیرپذیری بسیار بالا از این شرایط رکود، شکست اقتصادی را تجربه کردند.

رکود بزرگ اقتصادی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ که از ایالات متحده آمریکا آغاز شد، به سرعت به سرتاسر بازارهای مالی اروپا سرایت کرد. خاورمیانه نیز سال‌هاست که از منظر اقتصادی، منطقه‌ای پرتنش ارزیابی می‌شود و دولت‌های این منطقه عمدتاً با مشکلاتی نظیر بی‌ثباتی، جنگ داخلی، فساد دولتی و ضعف اقتصادی درگیر هستند؛ به طوری که ایران در رتبه‌بندی شکنندگی نظام اقتصادی سال ۲۰۱۹ بنیاد صلح جهانی، در رده پنجاه و دوم جهان و در بین کشورهای در وضعیت هشدار بالا قرار گرفته است<sup>۲</sup> که خود نشان از وضعیت نامناسب کشورمان در این زمینه دارد.

با این مقدمه، بررسی موضوع ضدشکنندگی<sup>۳</sup> اقتصادی، به ویژه در سال‌های اخیر و روبرویی

1. Fragile State  
2. www.isna.ir/news/98051708728/  
3. Anti-fragility

کشورهای مختلف با مشکلات آن برای نیل به اقتصاد مقاومتی، ضرورت بالایی دارد. ضدشکنندگی اقتصادی به مواردی اطلاق می‌شود که یک اقتصاد آسیب‌پذیر یا شکننده باید به اجرا بگذارد تا آسیب‌پذیری آن کاهش پیدا کند. در واقع این مفهوم بدان معناست که منابع و ظرفیت‌ها طوری تنظیم و جابجایی شوند که احتمال ضربه به آنها به حداقل برسد و بتوان عواید مثبتی نیز به دست آورد. با این وجود ضدشکنندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی است، که هنوز تعریف مورد قبول بین‌المللی در مورد آن وجود ندارد و محققان، سیاست‌گذاران و افراد درگیر در این حوزه، هر یک آن را به گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌کنند. همچنین، به رغم مشکلات متعدد اقتصاد کشورمان، تاکنون مجموعه‌ای شاخص مدونی برای رصد و پایش میزان ضدشکنندگی اقتصاد ایران طراحی نشده است. بنابراین هدف این پژوهش، مطالعه‌ی جامعی با استعانت از پژوهش‌های نظری و تجربی پیشین جهت بررسی شاخص‌ها و ابعاد ضدشکنندگی اقتصادی برای ارزیابی این موضوع است.

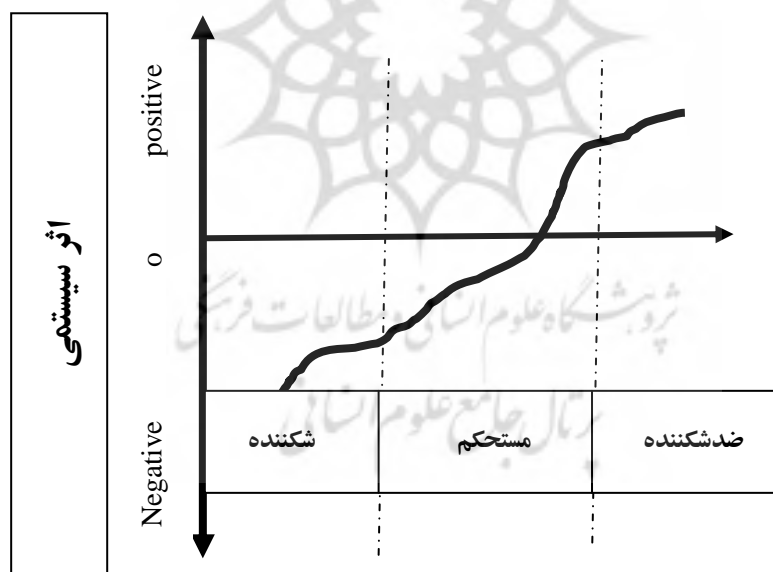
## ۲. مبانی نظری

«شکنندگی» مفهومی مبهم است؛ و غالباً شکست، آسیب‌پذیری و ضعف، به عنوان مترادف آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع تعاریف چندگانه از شکنندگی، از ماهیت ذاتی چندبعدی مفهوم آن نشئت گرفته است. شکنندگی، در سازمان‌های بین‌المللی متفاوت به صورت گوناگونی تعریف شده است؛ برای مثال، بخش توسعه بین‌المللی کشورهای متحده بریتانیا<sup>۱</sup> (DFID)، شکننده را کشوری می‌داند که دولت آن قادر به انجام فعالیت‌های مرکزی برای مردم خود نیست (Graziella & Guerzoni, 2012)، ولی واژه ضدشکنندگی نخستین بار توسط «نسیم نیکولاس طالب»<sup>۲</sup> در کتابی به همین نام که در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسید، مورد استفاده قرار گرفت که آن را ویژگی‌ای تعریف می‌نماید که اقتصاد در مواجهه با عوامل فشار کسب قدرت نماید و از شکست‌ها قدرتمندتر شود. گستردگی دامنه تعریف این واژه تا حدی است که آن را در سطح سیستم، سازمان و اقتصاد تعریف می‌کنند. یک سیستم ضدشکننده، علاقه‌مند به جذب این عوامل فشار است و هر عامل، در صورتی که موجب نابودی آن نشود، بر قدرت آن خواهد افزود. سازمان‌های ضدشکننده فرهنگی دارند که دارای قابلیت تطابق با محیط و یادگیری سریع از آن هستند و از نوسانات به بهترین شکل استفاده می‌کنند (Lawrence, 2013). ضدشکنندگی برای سازمان، به منزله کسب توانایی است که می‌تواند متفاوت از توانمندی‌های موجود نیز باشد و همچنین حالتی ارتجاعی و یافتن دیدی بهتر در مواجهه با مشکلات، خطاها، تهاجمات و شکست‌ها است. البته

1. United Kingdom  
2. Nassim Nicolas Taleb

ضدشکنندگی از توانایی ارتجاعی بسیار متفاوت است (Taleb, 2012: 31). طالب<sup>۱</sup> عنوان می‌کند که منظور از حالت ارتجاعی در سیستم‌ها، توانایی سیستم در بازیابی خود پس از شکست است؛ در حالی که منظور از سیستم‌های ضد شکننده، سیستم‌هایی است که پس از مواجهه با این شکست‌ها قدرتمندتر می‌شوند. ضمن اینکه منظور از تاب‌آوری در سیستم، توانایی مقاومت و ایستادگی آن در مواجهه با شکست‌هاست. این سیستم‌ها پس از گذر از مشکل، به حالت اولیه خود بازمی‌گردند ولی سیستم‌هایی که دارای خاصیت ضدشکنندگی هستند، بهتر خواهند شد.

در شکل ۱، منحنی ضدشکنندگی قابل مشاهده است؛ این منحنی نشان‌دهنده تأثیر استرس بر عملکرد اقتصاد است. زمانی که اقتصاد مستحکم است، تمامی خروجی‌های آن قابل شناسایی بوده و این اقتصاد، بر اساس ساختار خود و مطابق انتظارات ذی‌نفعانش عمل خواهد کرد. در حوزه شکننده (شکل ۱)، محرک‌ها در اقتصادی که با استرس مواجه است، به شدت در حوزه ضعف قرار خواهند گرفت. تمامی خروجی‌ها در حوزه شکننده، ناخواسته؛ و در حوزه ضدشکنندگی، در جهت منافع اقتصاد است که پیش از آن ناشناخته بوده است.



شکل ۱: منحنی ضدشکنندگی (Johnson & Gheorghe (2013)

1 Taleb

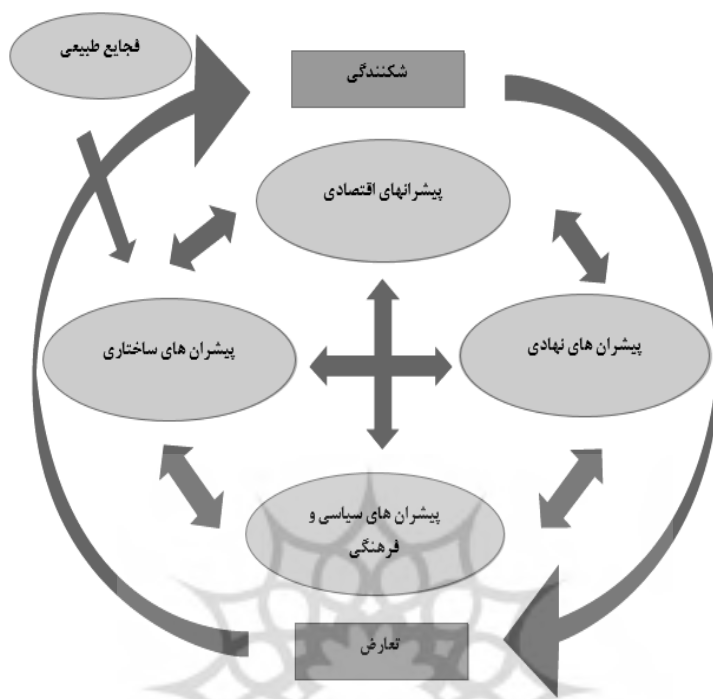
## ۲-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات اندکی جهت بررسی عوامل تعیین کننده شکنندگی انجام شده است. والینگ و مورنو<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، بیان کرده‌اند که نهادها محرک مرکزی شکنندگی هستند و سایر عوامل در ارتباط با آنها پیوند می‌خورند. برای مثال، زمانی فقر با شکنندگی مرتبط می‌شود که دولت ضعیف قادر به مدیریت مؤثر علل و پیامدهای فقر نباشد.

کارمنت<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۸)، پی بردند که «درآمد سرانه»، محرک اصلی شکنندگی است؛ بدین صورت که درآمد سرانه بیشتر، شکنندگی کمتری در پی دارد و ارتباط این دو متغیر معکوس است. بلیامونلوتز<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، نشان می‌دهد که اثر شکنندگی بر درآمد سرانه، با چند عامل دیگر در ارتباط است؛ در کشورهای با اقتصاد شکننده، در صورت ایجاد آزادی تجاری در این کشورها، این احتمال وجود دارد که نسبت به مقدار درآمد آسیب‌پذیرتر بوده، درحالی‌که بهبودهای جزئی در نهادهای سیاسی اثر معکوس دارد (Bertocchi & Guerzoni, 2012). شکنندگی کشورها دلالت‌های منفی گسترده‌ای بر مرزهای آنها دارد. زمانی که کشوری شکننده می‌شود، کشورهای همسایه آن با کاهش دو درصدی نرخ رشد سالیانه مواجه می‌شوند؛ در همین زمان است که دو سوم بیشتر خرابی‌های اقتصادی کشور شکننده را همسایگان آن رقم خواهند زد (Chauvet and Collier, 2005; Rugumamu, 2011).

به علت شکنندگی، زمینه گسترده‌ای از سازمان‌های غیرقانونی و تجارت‌های بین‌المللی فاسد از طریق فناوری‌های ارتباطاتی مدرن و روش‌های مدیریتی زمینه ظهور می‌یابند تا تجارت نامشروع را در حوزه‌های کشاورزی، محصولات جنگلی و حیات وحش، دارو، ارتش و سلاح، الماس، عتیقه، ماشین‌های دزدیده شده، زباله‌های سمی و اشیاء تقلبی در دست گیرند. این کشورهای شکننده، دارای ضعیف‌ترین سیستم امنیتی بین‌المللی هستند (GoodHand, 2004; Rugumamu, 2011).

1. Vallings, Moreno  
2. Carment  
3. Balamoune-Lutz



شکل ۲: پیشران‌های شکندگی (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵)

مطابق شکل ۲، یک وضعیت شکننده می‌تواند چرخه معیوبی از شکندگی و درگیری را در بر گیرد که حاصل ترکیب پیشران‌های اقتصادی، ساختاری، سیاسی و سازمانی است. این پیشران‌ها که توسط سازمان رشد و توسعه همکاری‌های اقتصادی تبیین شده است، محدوده کلی برای تعریف زیرشاخص‌ها را در اختیار پژوهشگران قرار داده است.

مطابق شکل، پیشران‌های اقتصادی از جمله عوامل تأثیرگذار بر شکندگی هستند؛ از جمله این پیشران‌ها، می‌توان به بیکاری یا کمبود سرمایه‌گذاری اشاره کرد. دسته دیگر، پیشران‌های نهادی هستند؛ مانند دولت که حکمرانی ضعیف و ظرفیت‌های نهادی در این دسته جای می‌گیرند. دسته پیشران‌های سیاسی و فرهنگی که حمایت‌های سیاسی و قدرت تنازع بدون آسیب در این گروه هستند؛ و اما آخرین پیشران‌ها در این چرخه، پیشران‌های ساختاری مانند زیرساختارهای اقتصاد یا محدودیت‌های جغرافیایی هستند که در چرخه شکندگی حضور داشته و با تشدید یکدیگر، اقتصاد را به سمت شکندگی بیشتر سوق می‌دهند و همان‌گونه که در شکل

مشاهده می‌شود، در اثر یک شوک خارجی به شکنندگی منجر خواهد شد. علت حضور تعارض در این چرخه، دخول عناصر جدید است که برای اقتصاد شکننده، پس از افزایش شکنندگی، به ایجاد تعارض با عوامل قبلی می‌انجامد.

سخر<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای به بررسی کشورهای شکننده پرداخته و دوازده شاخص از مشخصه‌های کشورهای شکننده را در سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به ترتیب زیر بیان کرده است:

#### ۱. شاخص‌های شکنندگی اجتماعی

۱-۱. افزایش فشارهای دموگرافیک

۲-۱. مهاجرت گسترده مهاجران یا تبعید شهروندان

۳-۱. خون‌خواهی یا جنون گروهی

۴-۱. کوچ مداوم و پایدار انسانی

#### ۲. شاخص‌های شکنندگی اقتصادی

۱-۲. توسعه ناهموار اقتصادی در میان گروه‌ها

۲-۲. تنزل اقتصادی شدید و طاقت‌فرسا

#### ۳. شاخص‌های شکنندگی سیاسی

۱-۳. فسق قانون کشور

۲-۳. زوال خدمات عمومی

۳-۳. تعلیق نقش قانون و گسترش خشونت حقوق انسانی

۴-۳. اجرای الزامات امنیتی

۵-۳. افزایش نفاق نخبگان

۶-۳. مداخله سایر کشورها و بازیگران سیاسی خارجی.

به رغم مطالعات فوق‌الذکر، چرایی تلاش برای اندازه‌گیری ضدشکنندگی به لزوم تفکیک و درک وضعیت موجود و وضعیتی است که موردنظر و ایده‌آل سیاست‌گذاران است. هدف طراحان شاخص‌های پیش‌گفته، متفاوت بوده و گستره کاربرد آنها شامل دولت، سازمان‌های شهری، بخش خصوصی و تشکل‌های تحقیقاتی است، اما شاخص‌های ارائه شده در پژوهش حاضر سعی دارد تا در سطح ملی جامع بوده و به عنوان الگو مورد استفاده قرار گیرد.



## ۲-۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از حیث جهت‌گیری، «توصیفی» و از حیث هدف، «کاربردی» است. ماهیت تحقیق نیز «کمی - کیفی» (آمیخته) است. روش پژوهش حاضر «توصیفی - تحلیلی» از نوع تحلیل مضمون و دلفی فازی است. این پژوهش در دو گام مطابق زیر انجام می‌پذیرد:

الف. شناسایی و استخراج چارچوب اولیه ابعاد و مؤلفه‌های ضدشکنندگی اقتصادی: به منظور شناسایی مؤلفه‌های مدنظر پژوهش، مطالعات صورت گرفته در این حوزه بررسی و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری شده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات برآمده از ادبیات پژوهش جهت استخراج چارچوب مربوطه، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (مضامین) موجود درون داده‌ها است. این روش در حداقل کاربرد خود، داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند، اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید (Braun & Clarke, 2006). در این پژوهش از روش براون و کلارک<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) استفاده شد که مراحل شش‌گانه آن عبارتند از:

۱. آشنایی با داده‌ها
  ۲. ایجاد کدهای اولیه
  ۳. جست‌وجوی تم‌ها
  ۴. بازبینی تم‌ها
  ۵. تعریف و نام‌گذاری تم‌ها
  ۶. تهیه گزارش
- برای تأمین روایی و پایایی روش تحلیل مضمون، از روش ارزیابی گوبا و لینکلن<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) به صورت زیر استفاده شد:
- اعتبار پذیری: از دو کدگذار برای کدگذاری بخشی از داده‌ها جهت کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران استفاده شد.
  - انتقال پذیری: در مورد یافته‌های پژوهش، از سه خبره که در فرایند پژوهش حضور نداشتند، مشورت گرفته شد.
  - قابلیت اطمینان: مستندات متن‌های کدگذاری شده آنها موجود است.

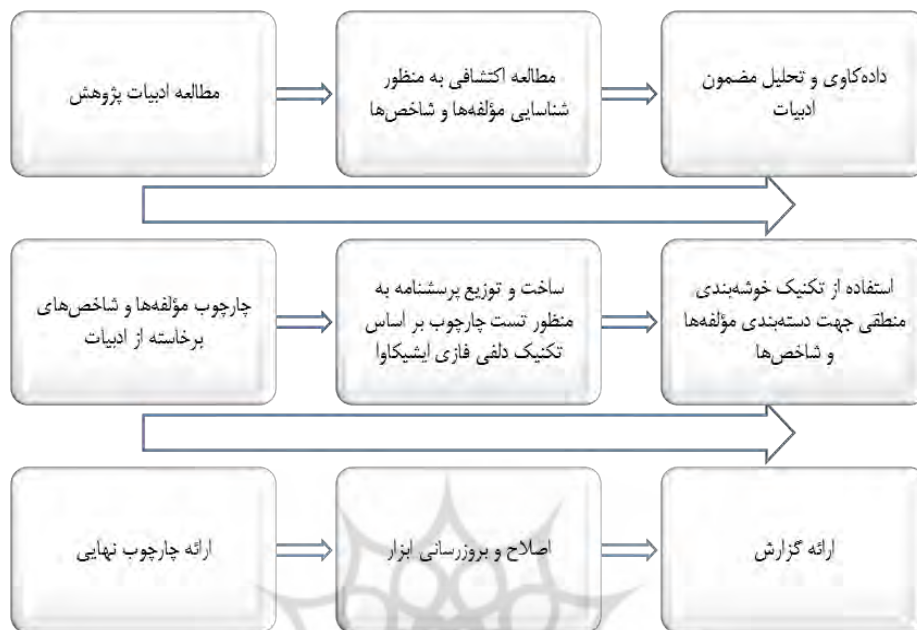
1. Braun and Clarke  
2. Guba & Lincoln

• تأییدپذیری: کلیه جزئیات فرایند تحلیل مضمون در تمامی مراحل به دقت ثبت و ضبط شده است.

ب. **خبره‌سنجی چارچوب شناسایی شده:** پس از استخراج مدل اولیه، در قالب پرسشنامه‌ای هفت مقیاسی، ابعاد و مؤلفه‌های ضدشکنندگی با استفاده از نظرات خبرگان معرفی شده و روش دلفی فازی، مورد خبره‌سنجی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش، همه خبرگان و متخصصان حوزه اقتصاد مقاومتی هستند که در حیطه پژوهش، صاحب‌رأی و صاحب‌نظرند. نمونه آماری پژوهش، مشتمل بر ۲۱ تن از خبرگان مجرب و صاحب‌نظر در حیطه‌های فوق‌الذکر از دانشگاه تهران، وزارت اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه علامه طباطبایی هستند. تفاوت روش دلفی فازی با روش دلفی سنتی در این است که در روش دلفی سنتی، پیش‌بینی‌های ارائه شده توسط افراد خبره، در قالب اعداد قطعی بیان می‌شوند که استفاده از اعداد قطعی برای پیش‌بینی‌های بلندمدت، نتایج آن را از دنیای واقعی دور می‌سازد. بنابراین مورای<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۸۵)، مفهومی برای رفع ابهامات روش دلفی پیشنهاد کردند که روش دلفی سنتی و تئوری فازی را با یکدیگر یکپارچه می‌سازد. ایشیکاوا<sup>۲</sup> (۱۹۹۳)، تئوری فازی را وارد روش دلفی کرد و اچسو و یانگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، عدد فازی مثلثی را برای در بر گرفتن نظرات خبرگان و ایجاد روش دلفی فازی به کار بردند. در تعیین روایی پرسشنامه مورد استفاده، از روش روایی محتوا (اعتبار محتوا)، و به منظور تعیین پایایی آزمون، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. از آنجا که ضرایب آلفای به دست آمده برای تک‌تک متغیرها و ابعاد محاسبه شده، بزرگ‌تر از ۰.۷ است (۰.۸۴)، لذا می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه مورد استفاده، از قابلیت اعتماد لازم برخوردار است.

فرایند کلی پژوهش در شکل ۳ قابل مشاهده است.

1. Murray
2. Ishikawa
3. Hsu and Yang

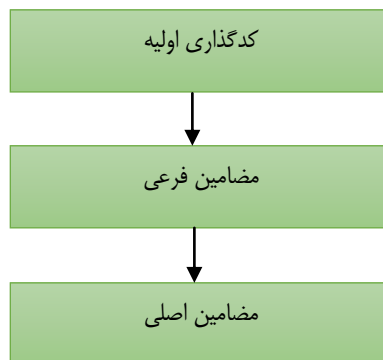


شکل ۳. فرایند پژوهش

### ۳-۲. یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، پژوهش حاضر ابتدا به شناسایی و استخراج شاخص‌های مؤثر در ضدشکنندگی اقتصادی و دسته‌بندی آنها می‌پردازد؛ سپس با خبره‌سنجی این شاخص‌ها، چارچوب نهایی را برای بررسی ضدشکنندگی استخراج خواهد کرد.

پس از بررسی عمیق مبانی این حوزه، همان‌گونه که در بخش روش پژوهش شرح داده شد، به منظور تبیین و استخراج مؤلفه‌های ناظر بر مفهوم ضدشکنندگی اقتصادی، از روش تحلیل مضمون و داده‌کاوی استفاده شده است. بر این اساس، متون منتخب نهایی، چندین بار از سوی محقق خوانده و مطالب مرتبط با حوزه پژوهش مشخص شدند؛ سپس داده‌های منتخب کدگذاری شدند. پس از اتمام کدگذاری‌های اولیه و استخراج مضامین فرعی، آن دسته که بیشترین قرابت معنایی و مفهومی را با هم داشتند، کنار هم قرار گرفتند و در قالب مضامین اصلی دسته‌بندی شدند. در شکل ۵ نیز چارچوب اولیه مستخرج از این مرحله، با توجه به تحلیل مضمون متون نمایش داده شده است. نمای کلی از فرایند تحلیل داده‌ها، در شکل ۴ نشان داده شده است.



شکل ۴: فرایند کلی تحلیل داده‌ها



شکل ۵: چارچوب مستخرج با توجه به تحلیل مضمون متون

در ادامه به منظور خیره‌سنجی، هر یک از مؤلفه‌ها طی چهار مرحله در اختیار خبرگان این پژوهش قرار گرفت و با استفاده از روش دلفی فازی، تحلیل و تجزیه شد. طی این مراحل، میزان

توافق خبرگان بر همه ابعاد مورد پرسش قرار گرفت که بنا بر نتایج به دست آمده، همه مؤلفه‌های چارچوب دارای عدد فازی زدایی شده بالاتر از ۷ هستند؛ از این رو می‌توانند در تحلیل مورد استفاده قرار گیرند. در جدول ۱، نتایج خبره‌سنجی ابعاد مشخص شده است.

جدول ۱. نتایج دلفی فازی شاخص‌های ضدشکنندگی اقتصادی

ردیف	شاخص	حد پایین عدد فازی	حد وسط عدد فازی	حد بالای عدد فازی	عدد فازی زدایی شده	استناد به منابع
<b>بُعد اقتصادی</b>						
۱	توسعه بخش کشاورزی	7/1084	8/7513	9/5231	8/6061	Wiegratz (2009); Ghatak & Ingersent (1984); Wiegratz, 2009: 25; Ghatak & Ingersent, 1984: 39
۲	توسعه زیرساخت‌های اقتصادی	7/2272	8/8749	9/6808	8/7346	Wiegratz, 2009: 27;
۳	نرخ سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی	7/3230	8/9209	9/6248	8/7719	Graziella & Guerzoni, 2012; Fabra et al, 2009
۴	میزان گستردگی اقتصادی	7/8284	9/2707	9/7999	9/1185	De florio, 2014
۵	نرخ بیکاری	0/0000	9/1113	9/7204	7/6942	هادیان و رضایی‌سنا، ۱۳۸۸
۶	نرخ فقر	0/0000	8/7347	9/4880	7/4045	Carment & Samy, 2012: 72
۷	میزان سهولت تجارت آزاد	0/0000	9/0120	9/7363	7/6307	Milner & Kubota, 2005; Graziella & Guerzoni, 2012
۸	تراز تجاری	0/0000	8/9911	9/6543	7/6031	خلیلی عراقی و رمضانپور، ۱۳۸۰
۹	استقراض	0/0000	8/9294	9/6433	7/5601	اسدی و سیدآقازاده، ۱۳۷۸
۱۰	سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی	7/4440	9/0016	9/6750	8/8542	Gray, 1993; Monila et al, 2015
۱۱	بازده جمع‌آوری مالیات	0/0000	8/8112	9/5856	7/4717	Caminal, 1997; Aidt & Peter, 2009
۱۲	نرخ تورم	7/6101	9/1274	9/7351	8/9758	مهربانی و قوام، ۱۳۸۷
۱۳	فاصله طبقاتی	0/0000	8/6844	9/4952	7/3722	Graziella & Guerzoni, 2012; Sordi & Vercelli, 2006; Wiegratz, 2009: 32

جدول ۱ (ادامه)

ردیف	شاخص	حد پایین عدد فازی	حد وسط عدد فازی	حد بالای عدد فازی	عدد فازی زدایی شده	استناد به منابع
۱۴	نرخ دسترسی به منابع طبیعی	0/0000	9/1668	9/7510	7/7363	Graziella & Guerzoni, 2012; Shkelton et al, 2002; Monila et al, 2015
<b>بُعد اجتماعی</b>						
۱۵	میزان وحدت	0/0000	8/8386	9/6279	7/4971	Osaghae, 2007; Sekhar, 2010
۱۶	مهاجرت	0/0000	9/1948	9/7092	7/7481	Sekhar, 2010
۱۷	نفاق نخبگان	0/0000	8/8511	9/6320	7/5060	Sekhar, 2010
۱۸	تضادهای قومیتی	0/0000	8/7975	9/5927	7/4638	Sekhar, 2010
۱۹	نرخ جمعیت تحصیل کرده	0/0000	8/4691	9/4147	7/2152	Hawkins, 2002: 48; Wiegatz, 2009: 33
۲۰	نرخ مشارکت زنان	0/0000	8/3408	9/3992	7/1271	پیشگامی فرد و گهروپور، ۱۳۸۹؛ Riding & swift, 1990
۲۲	میزان جمعیت جوان کشور	7/2560	8/8578	9/6187	8/7177	Drucker, 2001
۲۳	ارائه خدمات عمومی	0/0000	9/1873	9/7649	7/7523	Sekhar, 2010
<b>بُعد سیاسی</b>						
۲۴	انعطاف پذیری	7/4811	9/0284	9/7186	8/8855	Rodrick, 1999
۲۵	محافظت و کنترل مرزها	0/0000	8/9743	9/5481	7/5742	Chauvet & Collierm 2005; Rugumamu, 2011
۲۶	امنیت داخلی	0/0000	9/0162	9/6824	7/6246	Sekhar, 2010
۲۷	اقتدار بین المللی	0/0000	8/7525	9/5338	7/4240	Sekhar, 2010; Goodhand, 2004; Rugumamu, 2011
۲۸	مشروعیت بین المللی	7/4896	9/0096	9/6562	8/8641	Little, 1982: 69; Wiegatz, 2009: 42
۲۹	کارآمدی تحریم های بین المللی	7/3686	8/9457	9/6699	8/8036	Amuzegar, 1999
۳۰	میزان عدالت در قوانین	0/0000	8/9237	9/6225	7/5529	Rawls, 1971: 39; Myant & Cox, 2008: 18; Monila et al, 2015; Hayek, 1973: 19;
۳۱	استحکام بخشی به قوانین	0/0000	8/6738	9/4886	7/3640	Lawrence, 1995; Bendell, 2016: 96; Abbott & Snidal, 2000

جدول ۱ (ادامه)

ردیف	شاخص	حد پایین عدد فازی	حد وسط عدد فازی	حد بالای عدد فازی	عدد فازی زدایی شده	استناد به منابع
۳۲	شفاف‌سازی قوانین	0/0000	9/0408	9/6642	7/6379	Taleb, 2012: 45
۳۳	بهبودی اجرای قوانین	0/0000	9/2570	9/7727	7/8001	Langbein, 2007; Yeager, 1987
۳۴	فساد اداری	0/0000	9/1280	9/7337	7/7076	Sekhar, 2010; Polinsky & Shavell, 2001; White, 2013
۳۵	عبرت‌آموزی	0/0000	9/2821	9/7847	7/8189	Sekhar, 2010
۳۶	برنامه‌ریزی ترکیبی	0/0000	9/0759	9/7287	7/6720	Alketabi & Gardiner, 2014

## ۳. توضیح شاخص‌ها

### الف. حوزه اقتصادی

#### الف-۱. توسعه بخش کشاورزی

در سطح اقتصاد کلان، توسعه بخش کشاورزی به کاهش وابستگی به واردات منجر خواهد شد (Ghatak & Ingersent, 1984: 39)؛ زیرا اکثر کالاهای تولید شده در این بخش، جزء نیازهای اساسی کشور محسوب می‌شوند. کاهش وابستگی در این بخش، به مقاومت بیشتر اقتصاد در برابر تنش‌های جهانی منتج خواهد شد (Wiegatz, 2009: 39).

#### الف-۲. توسعه زیرساخت‌های اقتصادی

رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای، به وجود زیرساخت‌های فیزیکی برای تولید و توزیع کالاها و خدمات بین عامه مردم و بنگاه‌ها بستگی دارد؛ به طوری که قدرت اقتصاد ملی، به توانایی و موجودی زیرساخت آن بستگی دارد و کیفیت و کارایی این زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی مؤثر است (Babovic et al., 2018).

#### الف-۳. نرخ سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی

در تعریف نرخ سرانه تولید ناخالص داخلی، باید گفت در میان شاخص‌های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نه تنها به عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه بسیاری از دیگر اقلام کلان اقتصاد محصولات جنبی محاسبه و برآورد آن محسوب می‌شود.

#### الف -۴. میزان گستردگی اقتصادی

هر چه تنوع در اقتصاد بیشتر باشد، شکنندگی آن کاهش می‌یابد. تحقیقاتی در ارتباط با متنوع‌سازی و تأثیر آن بر متغیرهای اقتصادی در سطح جهان صورت گرفته است که برخی از آنها متنوع‌سازی صادرات و برخی دیگر متنوع‌سازی تولید را به عنوان عامل تأثیرگذار بر متغیرهای کلان اقتصادی، در نظر گرفته‌اند (حریفی و همکاران، ۱۳۸۴).

#### الف -۵. نرخ بیکاری

در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، جمعیت فعال به سرعت رو به ازدیاد است؛ در حالی که ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و مشاغل آزاد که با این سرعت هماهنگ باشند، بسیار مشکل است. میزان بیکاری در این کشورها همانند کشور ما معمولاً از ۱۰ درصد بالاتر است. کاهش بیکاری و رسیدن به سطحی قابل قبول از نرخ بیکاری، یکی از اهدافی است که دولت‌ها برای دستیابی به آن تلاش زیادی می‌کنند و از آنجایی که رسیدن به توسعه مطلوب تا حدود زیادی تابع بکارگیری منابع انسانی است، عدم بهره‌گیری مناسب و مطلوب از منابع انسانی، به عدم استفاده از امکانات مادی جامعه منتج می‌شود (هادیان و رضایی‌سخا، ۱۳۸۸).

#### الف -۶. نرخ فقر

به میزان افراد فقیر موجود در یک جامعه، «نرخ فقر» می‌گویند. سطح زندگی به میزان و چگونگی برآوردن نیازهای مادی و معنوی بستگی داشته و در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و در مراحل مختلف رشد تاریخی و بر حسب کشورهای مختلف، متفاوت است. سطح زندگی مستقیماً به تولید اجتماعی، درآمد اهالی، میزان مصرف کالاهای بلندمدت و کوتاه‌مدت و چگونگی تأمین نیازهای فرهنگی و بهداشتی وابسته است (Carment & Samy, 2012: 72). فقر مانعی بزرگ در راه رسیدن به پیشرفت و تعالی است. کنترل میزان فقر و تلاش برای ریشه‌کن کردن آن، از ملزومات پیشرفت و تعالی است (Dower, 2011).

#### الف -۷. میزان سهولت تجارت آزاد

موافقت‌نامه تجارت آزاد، یکی از عناصر کلیدی مناطق تجارت آزاد است. بازار آزاد همان اقتصاد آزاد است که در آن خریداران و فروشندگان بدون هیچ قید و شرطی از لحاظ قیمت و مقدار با هم معامله می‌کنند و هیچ‌گونه اجباری در خرید و فروش نیست. دولت، افراد را آزاد گذاشته و تولیدکنندگان به خواست و رضایت خود به تولید می‌پردازند، و دولت هیچ‌گونه مداخله‌ای برای تعیین قیمت و مقدار محصول تولیدی نمی‌کند. بهبود تجارت آزاد در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی صورت گرفته که بخشی از آن توسعه مناطق آزاد است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲).



### الف -۸. تراز تجاری

«تراز تجاری» یا «رابطه مبادله»، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شوک خارجی به اقتصاد است. نوسانات معکوس و زیان‌آور در رابطه مبادله، هزینه واردات نسبت به درآمد را افزایش داده و قدرت خرید صادرات را کاهش می‌دهد (خلیلی عراقی و رمضان‌پور، ۱۳۸۰). رابطه مبادله، یکی از معیارهای ارزیابی میزان بهره‌مندی کشورها از منافع تجاری به شمار می‌رود؛ از این رو دارای جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد بین‌الملل است. شوک‌های ناشی از این متغیر می‌توانند متغیرهای کلان اقتصادی همچون تراز تجاری و تولید را متأثر نمایند.

### الف -۹. استقراض

میزان استقراض کشور نیز می‌تواند در بخش دولتی و خصوصی و به‌طور خاص بر سازمان‌ها تأثیرگذار باشد. مقایسه میزان درآمدها با میزان استقراض، رابطه مستقیمی با شکنندگی دارد؛ هرچه این نسبت کمتر باشد، شکنندگی نیز کمتر است. اگر میزان استقراضات درصد زیادی از درآمدها و سود شرکت را شامل شود، بسیار مشکل‌برانگیز خواهد بود؛ خصوصاً اگر توسعه‌ای در سازمان پیش رو نباشد. اگر دلیل استقراض و روش بازپس‌دهی آن بسیار شفاف نباشد، برای سازمان بسیار خطرآفرین خواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳).

### الف -۱۰. سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی

در سطح کلان، تدوین چارچوبی برای رشد متوازن بخش خصوصی، منجر به ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در این بخش خواهد شد (Gray, 1993: 25). این چارچوب باید در راستای سیاست‌های کلان دولت‌ها و متناسب با شرایط اقتصادی و جغرافیایی هر منطقه تدوین شود (Ronnas et al., 2019: 22; Thuyet, 1995). عموماً هرچه تلاش برای توسعه بخش خصوصی افزایش یابد و وابستگی اقتصاد به دولت کمتر شود، میزان شکنندگی آن را در مواجهه با تنش‌های خارجی کمتر متصور می‌شود (Monila et al, 2015).

### الف -۱۱. بازده جمع‌آوری مالیات

مالیات به عنوان یکی از منابع قدرتمند کسب درآمد برای دولت‌ها محسوب می‌شود. اگر این کسب درآمد به درستی صورت پذیرد، منجر به کاهش میزان استقراض دولتی خواهد شد. هرچه سرمایه دولت بیشتر باشد، وابستگی آن کاهش خواهد یافت (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳). مالیات به عنوان یکی از اصلی‌ترین درآمدهای دولت (Caminal, 1997) نقش مؤثری در تأمین مالی طرح‌های پیشرفت دارد. اما نباید مقدار یا شیوه جمع‌آوری آن در بین توده مردم ملال‌آور شود (Aidt & Jensen, 2009; Limberg, 2019).

## الف - ۱۲. کاهش نرخ تورم

«نرخ تورم» برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف‌کننده است. در نظر گرفتن نرخ تورم به منظور افزایش توانایی سازمان در جهت شناخت نوسانات اقتصادی مؤثر خواهد بود (Fuller & Stevenson, 2003). تجربه کشورهای توسعه‌یافته گویای این مطلب است که این کشورها در طول زمان و همراه با رشد اقتصادی بالا در دهه‌های گذشته، توانسته‌اند که تورم را در سطح پایینی نگه داشته و سطح رفاه اجتماعی خود را ارتقا دهند و حد بالایی از استانداردهای زندگی را برای شهروندان تأمین نمایند (مهربانی و قوام، ۱۳۸۷).

## الف - ۱۳. فاصله طبقاتی

کشش فعالیت‌های سرمایه‌گذاری دولتی به سمتی که فراوانی آن بیشتر است، کشیده خواهد شد. از سوی دیگر، هرچه جامعه فقیرتری داشته باشیم، توانایی دولت نیز کاهش می‌یابد و درآمدهای حاصل از مالیات آن نیز کمتر خواهد بود. این عامل می‌تواند در کشش سرمایه‌های خارجی نیز مؤثر باشد (Dávila-Fernández et al. 2017; Sordi & Vercelli, 2006).

## الف - ۱۴. نرخ دسترسی به منابع طبیعی

از جمله مسائل و چالش‌های مهم در حوزه منابع طبیعی می‌توان به برنامه‌ریزی علمی در دستگاه‌های کشاورزی، عدم توجه کافی به ارتباط و هماهنگی لازم بین بخش‌های اجرایی و تحقیقاتی و کافی نبودن سطح کارایی منابع انسانی اشاره کرد. توسعه پایدار به منظور مدیریت و حفاظت از منابع پایه و معرفی و به‌کارگیری پیشرفت‌های فناوری و ساختار تشکیلاتی مناسب در این زمینه، اقداماتی را توصیه می‌کند (حاجی میررحیمی و نبئی، ۱۳۸۵).

## ب. حوزه اجتماعی

### ب - ۱. میزان وحدت

احساس همبستگی، اساس یک کشور است؛ برای اینکه این احساس همبستگی ایجاد شود، باید بسیاری از اختلافات کاسته شود، هر چند تمامی اختلافات را نمی‌توان از میان برد. در جریان توسعه سیاسی به خصوص در جوامعی که دارای گروه‌های قومی، زبانی و مذهبی مختلف است، این احساس کم‌رنگ می‌شود و حتی ممکن است سبب بی‌اعتمادی، اختلاف و کشمکش درونی و در نتیجه مانع توسعه شود (نصوحیان، ۱۳۸۷).

## ب-۲. مهاجرت

برخی مطالعات انجام شده در مورد تأثیرات مهاجرت بر مهاجران، بر تأثیرات اقتصادی متمرکز شده است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مهاجرت از روستا به شهر در زمره مهم‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌آید. این مهاجران هم در مبدأ و هم در مقصد، مسائل و مشکلاتی از جمله بروز نابسامانی‌های متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری، بیکاری و کم‌کاری، کمبود فضاهای زیستی و آموزشی، آلودگی هوا و محیط زیست، سالخوردگی و زنانه شدن نیروی کار کشاورزی، تخلیه روستاها و غیره را به وجود می‌آورند (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۷).

## ب-۳. نفاق نخبگان

مطالعات تاریخی نشان‌دهنده نقش کلیدی نخبگان در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. تجربه بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته و همچنین کشورهای آسیای جنوب شرقی حاکی از آن است که نخبگان کشور به ویژه نخبگان فکری و سیاسی حاکم با ایفای نقش اساسی خود در فرایند تصمیم‌گیری امور اداره کشور، تأثیر مهمی بر فرایند توسعه ایفا می‌کنند (نصوحیان، ۱۳۸۷). بنابراین، کاهش نفاق میان نخبگان (کسانی که اداره امور کشور و جهت‌دهی به افکار عمومی در دست آنان است)، امنیت سیاسی را برقرار می‌سازد و این احساس امنیت سیاسی سبب برقراری فضایی امن در جهت رونق فعالیت‌های اقتصادی و افزایش قابلیت توانایی مقابله با بحران‌ها و شوک‌ها خواهد شد.

## ب-۴. تضادهای قومیتی

جوامع ساختارهای متفاوتی دارند؛ برخی از جوامع، از نظر قومی و زبانی، جمعیتی همگن دارند (مانند فنلاند)، اما برخی دیگر دارای شکاف عمیق میان اقوام و گروه‌های درآمدی هستند (مانند نیجریه). این شکاف به حدی است که همکاری اجتماعی را ناممکن و از اجرای طرح‌هایی سودمند برای تمامی جامعه جلوگیری می‌کند. (سبحانی و بیات، ۱۳۹۲). لذا افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در سطوح مختلف سازمانی و ملی، نیازمند الگوی مدیریت تضاد هستند تا بتوانند در قالب نظام ارزشی جامعه، تعارضات را مدیریت کنند. با مدیریت این تضادها، جامعه قادر خواهد بود تا به سطح قابل قبولی از یکدستی دست یابد که این امر خود انگیزه افراد جامعه را برای مقابله با شوک‌ها بالا برده و آنها را ترغیب به فعالیت‌های اقتصادی می‌نماید.

### ب-۵. نرخ جمعیت تحصیل کرده

امروزه تمام کشورها به دنبال ارتقای کیفیت نیروی انسانی خود هستند، زیرا معتقدند که تولید بیشتر و کیفیت بالاتر تنها در گرو نیروی کار با صلاحیت است (عمادزاده و همکاران، ۱۳۷۹). به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، سرمایه انسانی نقش بسیار بارزی در فرایند رشد و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌نماید (جوزاریان، ۱۳۹۱).

### ب-۶. نرخ مشارکت زنان

نقش اقلیت داشتن زنان در امور، موجب عقیم ماندن جامعه می‌شود (پیشگاهی فرد و گهرپور، ۱۳۸۹). با افزایش نرخ مشارکت زنان به عنوان نیمی از جامعه، از تمامی اقسام برای افزایش میزان کارایی و اثربخشی فعالیت‌های اقتصادی می‌توان بهره برد که این مسئله به کاهش شکنندگی اقتصاد در مقابل شوک‌های خارجی کمک شایانی خواهد کرد؛ چرا که اقتصاد با تمام قوای خود به مقابله خواهد پرداخت.

### ب-۷. استاندارد کیفیت زندگی

افزایش استاندارد زندگی باعث افزایش جذابیت ورود به یک کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی و کاهش نرخ فرار سرمایه برای سرمایه‌گذاران داخلی خواهد بود؛ همچنین طول عمر کاری افراد و تمایل آنها برای اشتغال طولانی‌مدت را افزایش خواهد داد که این مهم، تأثیر شگرفی بر افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در حوزه سرمایه‌گذاری و اشتغال خواهد داشت و سبب بهبود فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن، کاهش شکنندگی اقتصادی خواهد شد.

### ب-۸. میزان جمعیت جوان کشور

میزان جمعیت جوان کشور، هم از نظر نیروی کار فعال در جامعه و هم از نظر افزایش میزان نوآوری و خلاقیت کلی اجتماع، بسیار اهمیت دارد. منظور از جوان، فرد بالغ با قابلیت کار و فعالیت اقتصادی است (Drucker, 2001). جوانان، نیروی فعال جامعه هستند که گام‌های توسعه به میزان شناخت و آگاهی آنان از امور مختلف و حضور مؤثرشان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها بستگی دارد (سفیری و سعیدی، ۱۳۸۲: ۳۳).

### ب-۹. ارتقای ارائه خدمات عمومی

مشروعیت دولت وابسته به میزان «خدمات عمومی» ای است که انجام می‌دهد و اگر دولتی قدرت انجام دادن این وظیفه را نداشته باشد، شایستگی بقای خود را از دست می‌دهد. مشروعیت اعمال قدرت نیز از همان هدف خدمت مایه می‌گیرد؛ مشروعیت قدرت دولت نه تنها به خدماتی است که انجام می‌دهد، بلکه به چگونگی اجرای این خدمات، یعنی «قانونمند بودن» آن نیز مربوط می‌شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۲۳).

از آنجایی که انجام فعالیت‌های مربوط به «خدمات عمومی» برای توسعه وابستگی متقابل اجتماعی لازم و ضروری است، دولت‌ها با ارتقای ارائه خدمات عمومی و فراهم آوردن رفاه نسبی برای مردم، قادر خواهند بود تا از حمایت‌های آنان در زمان بروز بحران و موقعیت‌های استرس‌زا بهره ببرند.

### ج. حوزه سیاسی

#### ج-۱. انعطاف‌پذیری

به قابلیت دولت در بکارگیری تدابیر اقتصادی در برابر شوک‌های خارجی که به میزان وابستگی اقتصاد به سایر اقتصادها از یک سو و چند بعدی بودن اقتصاد و عدم وابستگی آن به یک بُعد ارتباط دارد، انعطاف‌پذیری گویند (Rodrick, 1999).

با توجه به تعریف فوق می‌توان این‌گونه استنباط کرد که بحث انعطاف‌پذیری تصمیمات دولتی به میزان زیادی به موقعیت کشور در بُعد بین‌المللی و همچنین امور داخلی بستگی دارد. زمانی می‌توان ادعا کرد که دولت در اجرای تصمیمات خود از انعطاف کاملی برخوردار است که از وابستگی خارجی و پراکندگی داخلی مصون باشد.

#### ج-۲. محافظت و کنترل مرزها

مقوله امنیت مرزها از جمله مباحث مهم نظری و عملی در حوزه‌های امنیتی و دفاعی است که نقش واسط بین امنیت داخلی و خارجی را دارد و پاشنه آشیل دولت‌ها محسوب می‌شود. سمت‌گیری تهدیدات از کانون‌های بیرونی، نقطه آسیب‌پذیری حاکمیت‌هاست و هر آینه روابط فی‌مابین همسایگان رو به تیرگی بگذارد، مرزها اولین لایه جذب تشعشعات و امواج منفی خواهند بود، لذا بیش از هر موضوعی به امنیت مرزها می‌پردازند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱).

#### ج-۳. امنیت داخلی

عمده شکست‌هایی که کشورها می‌خورند برای پوسیدگی است که از باطن خودشان پیدا می‌شود (امام خمینی، ج ۹: ۱۱۵). چنانچه در کشور وضعیتی پیش آید که بخشی از امنیت داخلی به خطر افتد، بر دولت است تا در جهت حل مشکل اقدامات لازم را انجام داده و مفسدین را بازخواست نماید. در ضمن می‌بایست در فرایند مقابله با مفسدین، از سویی دیگر آرامش را نیز برای سایرین فراهم کرد (امام خمینی، ج ۹: ۱۳۱). تنها در صورت وجود آرامش و امنیت داخلی است که امکان و فرصت تفکر پیرامون توسعه برای ملت و دولت فراهم می‌آید.

#### ج-۴. اقتدار بین‌المللی

به علت شکنندگی، زمینه گسترده‌ای از سازمان‌های غیرقانونی و تجارت‌های بین‌المللی فاسد از طریق فناوری‌های ارتباطاتی مدرن و روش‌های مدیریتی، زمینه ظهور می‌یابند تا تجارت نامشروع را در حوزه‌های کشاورزی، محصولات جنگلی و حیات وحش، دارو، ارتش و سلاح، الماس، عتیقه، ماشین‌های دزدیده شده، زباله‌های سمی و اشیاء تقلبی در دست گیرند. این کشورهای شکننده، ضعیف‌ترین سیستم امنیتی بین‌المللی را دارا هستند (Goodhand, 2004; Rugumamu, 2011).

#### ج-۵. مشروعیت بین‌المللی

مشروعیت، مطلق نیست و با توجه به شاخص‌های عینی مورد نظر، برخی قواعد نسبت به برخی دیگر مشروع‌تر هستند؛ بنابراین از جذب التزام بیشتری برخوردارند. همچنین مشروعیت قواعد و نهادها وقتی قابل اندازه‌گیری است که جامعه‌ای وجود داشته باشد که با این معیارها موافقت و آنها را اعمال کند. دولت‌ها با رعایت قوانین و حقوق بین‌الملل در پی کسب مشروعیت برای خود هستند (امینی، ۱۳۸۹).

#### ج-۶. کارآمدی تحریم‌های جهانی

کارآمدی و اثربخشی تحریم‌های گامی مطرح می‌شود که تحریم موفق بوده و به اهداف خود اعم از تأثیر منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی، باعث بازدهی کم اقتصادی، توزیع کم و غیرعادلانه کالا و خدمات و ایجاد بی‌نظمی و شکاف اجتماعی نائل آید. البته کاربرد تحریم‌ها در اقتصاد از دو سو مدنظر است؛ ابتدا عدم ورود کالای موردنیاز که منجر به کاهش روند چرخه اقتصادی می‌شود، این بُعد جنبه کوتاه‌مدتی دارد و باعث افزایش شکنندگی می‌شود و از سوی دیگر منجر به بالا رفتن نوآوری و شکوفایی خواهد شد که اثری بلندمدت داشته و منجر به کاهش وابستگی اقتصاد و در نتیجه، کاهش شکنندگی می‌شود (آموزگار، ۱۹۹۷).

#### ج-۷. میزان عدالت در قوانین

عدالت در قوانین کشوری، به منظور ایجاد محیطی که در آن امکان رقابت به شکلی عادلانه میسر باشد، مدنظر است. اگر قوانین به گونه‌ای باشد که امکان رانت‌خواری، لزوم باج‌دهی و... در آن زیاد باشد، علاقه سرمایه‌داران برای سرمایه‌گذاری در این اقتصاد به شدت کاهش می‌یابد، و هرچه این سرمایه‌گذاری‌ها رو به کاهش باشد، میزان شکنندگی نیز افزایش خواهد یافت (Carment & et al, 2008).

#### ج-۸. استحکام بخشی به قوانین

قانون باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند استمرار ثبات و امنیت اقتصادی را تضمین کند؛ به نحوی که مفاد قانون مرتب با ثبات اقتصادی، هر لحظه و هر روز عوض نشود و حالت پایدار داشته باشد (خلیلیان اشکدری، ۱۳۹۵). قوت و استحکام قوانین از این جهت حائز اهمیت است که اگر این

استحکام بر اساس نظر افراد قابل تفسیر و تغییر باشد، می‌توان از آن برای سوءاستفاده در جهت منافع شخصی بهره برد (Lawrence, 1995). قوانین باید متناسب با شرایط منطقه‌ای و اقتصادی موردنظر وضع شود و از جامعیت کافی برخوردار باشد (Bendell, 2016: 96).

### ج-۹. شفاف‌سازی قوانین

شفافیت در قوانین از الزامات اجرای صحیح و کامل قوانین محسوب می‌شود. لازمه وجود چنین شفافیتی، از یک سو ساده‌سازی قوانین وضع شده و از سوی دیگر، بیان جزئیات کامل قوانین به هنگام اجرای آنان است؛ در این صورت مجریان با فهم نسبتاً کاملی از قوانین دیگر، بهانه‌ای جهت تخلف و راه‌گریزی نخواهند یافت.

### ج-۱۰. بهسازی اجرای قوانین

به منظور بهسازی در اجرای قوانین وضع شده در تمامی سطوح، نیاز است تا نظارت صحیح صورت گیرد. این نظارت خود از طریق قوانین نظارتی موجود که می‌بایست از جامعیت و کاملیت برخوردار باشد، میسر می‌شود. قوانین در دو سطح سازمان و کشور (به منظور اقتصاد کل کشور) باید مدّ نظر قرار گیرد. در سطح اقتصاد کلان این قوانین به منظور جلوگیری از فساد بخش‌های اقتصادی موردنظر است. فساد از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکنندگی است.

### ج-۱۱. فساد اداری

به‌زعم پولینسکی و شاول<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، فساد یکی از عوامل تأثیرگذار در شکنندگی است؛ هرچه میزان فساد بیشتر باشد، احتمال مشارکت افراد کمتر خواهد شد و شکنندگی افزایش خواهد یافت. همچنین هزینه‌ی زیادی صرف فعالیت‌های بی‌ثمر به جای سرمایه‌گذاری در بخش مفید و ایجاد اشتغال خواهد شد. مناطق فسادپذیر مشکل زیادی در ایجاد اعتماد میان طرفین قراردادهای دارند که این امر موجب افزایش هزینه خواهد بود (White, 2013).

### ج-۱۲. عبرت‌آموزی

لازم است برای بیداری نسل‌های آینده و جلوگیری از غلطنویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ بپردازند و قیام‌ها و تحولات اجتماعی - سیاسی را با ذکر تمام جزئیات ثبت نمایند تا سرمشق جوامع و نسل‌های آینده شوند (امام خمینی، ج ۳: ۸۷). در این صورت است که قادر خواهیم بود با عبرت‌آموزی از وقایع گذشته، خود را در راه درست و صحیح قرار دهیم و با درس گرفتن و یادگیری از بحران‌ها و موقعیت‌های گذشته، در مواجهه با استرس‌ها و شوک‌های جدید تصمیمات درستی را اتخاذ نماییم.

1. Polinsky and Shavell

### ج-۱۳. برنامه‌ریزی ترکیبی

رویکردهای متنوعی در خصوص اجرا وجود دارد که هر یک از آنها با بینشی خاص به مسئله اجرا می‌پردازند. در یک طبقه‌بندی، رویکردهای اجرای خطمشی را در سه دسته: ۱. رویکرد بالا به پایین، ۲. رویکرد پایین به بالا و ۳. رویکردهای ترکیبی تقسیم می‌نمایند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به رویکردهای خطمشی‌گذاری مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد ترکیبی به منظور پیاده‌سازی خطمشی‌های ضدشکنندگی اقتصادی کارا تر خواهد بود؛ چراکه در این خطمشی‌ها به هر دو حوزه نخبگان و جامعه برای مقابله با شوک‌ها نیاز است. این رویکرد دارای دیدگاه‌های هیبریدی یا مراددهای است که بر فرایندهای پیچیده مذاکره و چانه‌زنی میان بازیگران خطمشی در تمام سطوح خطمشی و فرایند برنامه‌ریزی تأکید می‌کند.

### ۴. نتیجه‌گیری

یکی از جلوه‌های یک اقتصاد مقاوم، ضدشکنندگی آن است. شکنندگی در اقتصاد یکی از معضلات اصلی اقتصادهای قرن حاضر و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه است. منظور از شکنندگی، عدم توانایی اقتصاد در مواجهه با اتفاقات ناگهانی (شوکه‌های خارجی) و نابودی آن در شرایط رخداد این حوادث است. پس از گذر از شکنندگی، به استحکام اقتصادی به معنای ثبات در برابر چنین رخدادهایی و سپس در سطح عالی آن، به ضدشکنندگی می‌رسیم که قدرتمندتر شدن اقتصاد در مواجهه با رخدادها را به نمایش می‌گذارند.

ضدشکنندگی گستردگی بسیار بالایی در وجوه مختلف اقتصاد دارد؛ از این‌رو، برای بررسی میزان شکنندگی اقتصاد لازم دانستیم تا به بررسی ابعاد آن بپردازیم. در این پژوهش با معرفی ابعاد کلیدی ضدشکنندگی و مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد که از طریق خبره‌سنجی خبرگان این حوزه به دست آمده بود، به یک دسته‌بندی دست یافتیم و ضمن تعریف هر یک و بررسی آنها، به شناخت بهتر و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های ضدشکنندگی نائل آمدیم. بدین ترتیب، مدل پایش ضدشکنندگی اقتصادی مشتمل بر سه بُعد شامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همراه با ۳۵ شاخص ارائه شد. با توجه به جدول ۱، می‌توان دریافت که از منظر خبرگان، پنج شاخص اولیة مهم و تأثیرگذار در ضدشکنندگی اقتصادی عبارتند از: میزان گستردگی اقتصادی، کاهش نرخ تورم، سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، مشروعیت بین‌المللی و کارآمدی تحریم‌های بین‌المللی؛ که این موضوع اهمیت توجه بیشتر به آنها را نشان می‌دهد.

تمامی شاخص‌ها می‌توانند بر اساس روش‌شناسی نسبتاً پایدار برای شناخت تغییرات بسیار وسیع اقتصادی - اجتماعی فارغ از اینکه شاخص چه چیز را اندازه می‌گیرد، استفاده شوند. وقتی هر



ساله توسط شاخص‌هایی که وابستگی زمانی ندارند، مورد بررسی قرار گیرند، تغییرات عمده در نتایج، نشان‌دهنده بروز تغییر است؛ پس ارزیابی شاخص‌ها بسیار حائز اهمیت خواهد بود. اکثر شاخص‌هایی که برای بررسی تأثیرات وسیع هستند، به کندی تغییر می‌کنند؛ پس حتی در این شرایط شاخص‌هایی که تغییرات بسیار زیادی دارند، در سازمان‌های خرد اقتصادی برای بهبود وضعیت خود بسیار مهم هستند. البته در این تحقیق تنها به بررسی داده‌های قابل اندازه‌گیری پرداخته شد، اما در واقعیت داده‌هایی غیر قابل اندازه‌گیری نیز در روند شکنندگی بسیار مشاهده می‌شود و حائز اهمیت هستند.

به طور کلی، شاخص‌های شکنندگی می‌توانند برای تعریف خط‌مشی‌ها در جهت شناخت این مسئله که هر بخش چگونه عمل می‌کند، نیز کمک‌کننده باشند تا زمانی که مفهوم شاخص به خوبی تعریف گردد و اندازه‌گیری آن ارزشمند است. البته شاخص‌ها به بلوغ قبل از فرایند خط‌مشی‌گذاری نیاز دارند.

امید است کاربر است این تحقیقات در کاهش شکنندگی اقتصاد و در عالی‌ترین وجه آن، ضدشکننده کردن اقتصاد، بتواند نقش مؤثری ایفا کند و سیستم اقتصادی کشور پس از رفع نواقص خود، که در قالب شاخص‌هایی در این پژوهش ارائه شد، بتواند به صورت قدرتمندتری در مواجهه با فشارها و شوک‌های خارجی ظاهر شود و پس از مقابله نیز نیرومندتر به مسیر تعالی خود ادامه دهد.

## مآخذ

- اسدی، مرتضی، سیدآزاده، سیدرضا (۱۳۷۸). نقش سرمایه‌های خارجی در رشد اقتصادی مطالعه تطبیقی برای ایران و برخی کشورهای در حال توسعه، پژوهش‌ها و سیاست‌های خارجی اقتصادی، سال ۳، شماره ۱۰، ۳۷-۲۵.
- امینی، اعظم (۱۳۸۹). مشروعیت و انصاف در حقوق بین‌الملل از دیدگاه توماس فرانک. حقوق بین‌المللی، سال ۲۷، شماره ۴۲، ۲۰۶-۱۹۱.
- پیشگامی فرد، زهرا، زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹). بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی. زن و جامعه، سال ۱، شماره ۱، ۴۴-۲۵.
- پیغامی، عادل، سعدآبادی، علی اصغر، عظیمی، آرین (۱۳۹۵). *پایش اقتصاد مقاومتی*، تهران: دانشگاه امام صادق. جوزاریان، فیض‌الله (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران. *اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، سال ۱، شماره ۱، ۹۵-۱۱۴.
- حاجی رحیمی، محمود، ترکمانی، جواد (۱۳۸۲). بررسی نقش رشد کشاورزی در رشد اقتصادی ایران کاربرد الگوی تحلیل مسیر. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۱، شماره ۴۱، ۲۳-۱۲.
- حریفی، فردین، کارزونی، محمد، رضا، سیدعلی (۱۳۸۴). متنوع‌سازی مبادلات تجاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، سال ۹، شماره ۳۶، ۳۷-۲۴.
- حیدری، هادی، زواریان، زهرا، نوربخش، ایمان (۱۳۸۹). بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها. *فصلنامه پول و اقتصاد*، سال ۲، شماره ۴، ۲۲۰-۱۹۱.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۹۵). ثبات اقتصادی کشور در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی. *دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی*، سال ۱، شماره ۲، ۸۳-۱۰۸.
- خلیلی عراقی، منصور، رمضان‌پور، اسماعیل (۱۳۸۰). اهمیت محیط باثبات اقتصاد کلان. *مجله تحقیقات اقتصادی*، سال ۳۶، شماره ۱، ۲۸-۱.
- رزم آهنگ، مهدی (۱۳۹۶). *شاخص‌های شکنندگی اقتصادی: مجموعه‌ای از شاخص‌های آسیب‌پذیری برای کشورهای (OECD) و ارائه پیشنهادهایی برای اقتصاد ایران*. مرکز پژوهش‌های مجلس، دسترسی در <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1048187> (۱۳۹۸/۱۲/۱۴).
- سبحانی، حسن، بیات، سعید (۱۳۹۲). مقایسه تأثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی. *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال ۱۹، شماره ۱، ۱۷۸-۱۵۱.
- سفیری، خدیجه، سعیدی هرسینی، محمدرضا (۱۳۸۲). *مشارکت اجتماعی جوانان از طریق تقویت سازمان‌های غیردولتی جوانان در برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲). ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370> (۱۳۹۹/۰۲/۰۸).
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷). *حقوق اداری تطبیقی*، تهران: سمت.
- عمادزاده، مصطفی، خوش‌اخلاق، رحمان، صادقی، مسعود (۱۳۷۹). نقش سرمایه انسانی در رشد اقتصادی. *برنامه و بودجه*، سال ۵، شماره ۱، ۳-۲۵.
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۵). بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹). *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۹، شماره ۱، ۵۱-۸۰.
- قلی‌پور، رحمت‌الله، دانائی‌فرد، حسن، زارع متین، حسن، جندقی، غلامرضا، فلاح، محمدرضا (۱۳۹۰). *ارایه مدلی برای اجرای خط‌مشی‌های صنعتی: مطالعه موردی در استان قم*. مدیریت فرهنگ سازمانی، سال ۹، شماره ۲۴، ۱۳۰-۱۰۳.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۵). *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)*. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مهربانی، وحید، قوام، محمدحسین (۱۳۸۷). تورم، مانع یا محرک رشد اقتصادی؛ شواهدی از اقتصاد ایران با تأکید بر تکانه‌های نفتی. *فصل‌نامه راهبرد*، سال ۴، شماره ۱۵، ۳۷-۵۷.
- نصوحیان، محمدمهدی (۱۳۸۷). نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه. *فصل‌نامه راهبرد*، سال ۴، شماره ۱۴، ۱۶۵-۱۸۰.
- هادیان، ابراهیم، رضایی‌سنا، زینب (۱۳۸۸). بررسی تأثیر شوک‌های اقتصادی بر نرخ بیکاری در ایران. *فصل‌نامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، سال ۶، شماره ۱، ۲۷-۵۰.
- Abbott, K. W., & Snidal, D. (2000). Hard and soft law in international governance. *International organization*, 4(3), 421-456.
- Aidt, Toke, S. Peter S. Jensen. (2009). The taxman tools up: An event history study of the introduction of the personal income tax. *Journal of Public Economics*, 93(1-2), 160-175.
- Alketbi, S., & Gardiner, P. (2014). Top down management approach in project portfolio management. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 119(7), 611-614.
- Amuzegar. J. (1997). Iran's economy and the US sanctions. *Middle East journal*, 51 (3), 185-199.
- Babovic, F., Babovic, V., & Mijic, A. (2018). Antifragility and the development of urban water infrastructure. *International Journal of Water Resources Development*, 34(4), 499-509.
- Balioune-Lutz, Mina. (2009). Institutions, trade, and social cohesion in fragile states: Implications for policy conditionality and aid allocation. *Journal of policy Modeling*, 31(6), 877-890.

- Bendell, T. (2016). *Building anti-fragile organisations: Risk, opportunity and governance in a turbulent world*. Abingdon: Routledge.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Caminal, Ramon. (1997). Financial intermediation and the optimal tax system. *Journal of Public Economics*, 63(3), 351-382.
- Carment, D., & Samy, Y. (2012). *Assessing state fragility: A country indicators for foreign policy report*. Ottawa; Norman Paterson School of International Affairs, Carleton University.
- Carment, David., Yiagadeesen, Samy & Stewart, Prest. ( 2008). State fragility and implications for aid allocation: An empirical analysis. *Conflict Management and Peace Science*, 25(4), 349-373.
- Chauvet, L., & Collier, P. (2005). *Policy Turnarounds in Fragile States* (<https://b2n.ir/738543>).
- Dávila-Fernández, M. J., Oreiro, J. L., Punzo, L. F., & Bimonte, S. (2017). Capital in the Twenty-First Century: Reinterpreting the fundamental contradiction of capitalism. *Journal of Post Keynesian Economics*, 40(2), 168-182.
- De Florio, V. (2014). Antifragility= elasticity+ resilience+ machine learning models and algorithms for open system fidelity. *Procedia Computer Science*, 32(2), 834-841.
- Dower, N. (2011). *Development Ethics*. Encyclopedia of Applied Ethics (Second Edition).
- Drucker, P. (2001). The next society. *The economist*, 1 (<https://b2n.ir/696284>).
- Fabra, J., & Ziaja, S. (2009). *Users' guide on measuring fragility*. Germany: German Development Institute (DIE.)
- Ghatak, S, Ingersent, K. (1984). *Agriculture and economic development*. Brighton: Harvest Press.
- Goodhand, J. (2004). From war economy to peace economy? Reconstruction and state building in Afghanistan. *Journal of International Affairs*, 58(1), 155-174.
- Gray, C.W. (1993). *Evolving legal framework for private sector development in central and eastern Europe*. The World Bank (<https://ideas.repec.org/p/fth/wobadi/209.html>).
- Graziella, B. & Guerzoni, A. (2012). Growth, history, or institutions: What explains state fragility in sub-Saharan Africa?. *Journal of Peace Research*, Volume 49.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105-117.
- Hawkins, K. (2002). *Law as last resort: Prosecution decision-making in a regulatory agency*. Oxford: Oxford University Press on Demand.
- Hayek, F. A. (2012). *Law, legislation and liberty: a new statement of the liberal*

- principles of justice and political economy*. Abingdon: Routledge.
- Hsu, T. H., & Yang, T. H. (2000). Application of fuzzy analytic hierarchy process in the selection of advertising media. *Journal of Management and Systems*, 7(1), 19-39.
- Ishikawa, A. (1993). The new fuzzy Delphi methods: economization of GDS (group decision support). *System Sciences, 1993, Proceeding of the Twenty-Sixth Hawaii International Conference on System Sciences*, Wailea, HI, USA 4 (255-264). IEEE.
- Johnson, J., & Gheorghe, A. V. (2013). Antifragility analysis and measurement framework for systems of systems. *International Journal of Disaster Risk Science*, 4(4), 159-168.
- Langbein, J. H. (2007). Trust Law as Regulatory Law: The Unum/Provident Scandal and Judicial Review of Benefit Denials Under ERISA. *Northwestern University Law Review*, 101(3), 1315-1342.
- Lawrence, M. J. (1995). The Fortified Law Firm: Limited Liability Business and the Propriety of Lawyer Incorporation. *Geo. J. Legal Ethics*, 9(1), 207-219.
- Limberg, J. (2019). Tax the rich? The financial crisis, fiscal fairness, and progressive income taxation. *European Political Science Review*, 11(3), 319-336.
- Little, I. M. D. (1982). *Economic development: Theory, policy, and international relations*. New York City: Basic Books.
- Milner, H. V., & Kubota, K. (2005). Why the move to free trade? Democracy and trade policy in the developing countries. *International organization*, 52(6), 107-143.
- Molina, A., Ćirić, M., Dostal, C., Goderska, K., Harrie, E., Ivanović, N., & Lillig, R. (2015). A Multiple source approach to organisational justice: The role of the organisation, supervisors, coworkers, and customers. *Journal of European Psychology Students*, 6(2), 85-89.
- Murray, T. J., Pipino, L. L., & van Gigch, J. P. (1985). A pilot study of fuzzy set modification of Delphi. *Human Systems Management*, 5(1), 76-80.
- Myant, M., & Cox, T. (Eds.). (2008). *Reinventing Poland: Economic and political transformation and evolving national identity*. Abingdon: Routledge.
- Osaghae, E. Eghosa. (2007). Fragile state. *Development in Practice*, 17(4-5), 691-699.
- Polinsky, A. M., & Shavell, S. (2001). Corruption and optimal law enforcement. *Journal of public economics*, 81(1), 1-24.
- Rawls, J. (1999). *A Theory of Justice*. Cambridge: Harvard University Press.
- Riding, A. L., & Swift, C. S. (1990). Women business owners and terms of credit: Some empirical findings of the Canadian experience. *Journal of business venturing*, 5(5), 327-340.

- Rodrik, D. (1999). Where did all the growth go? External shocks, social conflict, and growth collapses. *Journal of economic growth*, 4(4), 385-412.
- Ronnas, P., Sjöberg, Ö., & Hemlin, M. (2019). *Institutional Adjustment for Economic Growth: Small scale industries and economic transition in Asia and Africa*. Abingdon: Routledge.
- Rugumamu.M.Severine. (2011). Capacity development in fragile environment: Insights from parliaments in Africa. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 7(2), 113-175.
- Fuller, D., & Geide-Stevenson, D. (2003). Consensus among economists: revisited. *The journal of economic education*, 34(4), 369-387.
- Sekhar, C. S. C. (2010). Fragile states: The role of social, political, and economic factors. *Journal of Developing Societies*, 26(3), 263-293.
- Shackleton, S., Campbell, B., Wollenberg, E., & Edmunds, D. (2002). Devolution and community-based natural resource management: Creating space for local people to participate and benefit. *Natural resource perspectives*, 76(1), 1-6.
- Sordi, S., & Vercelli, A. (2006). Financial fragility and economic fluctuations. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 61(4), 543-561.
- Taleb, N. N. (2012). *Antifragile: Things that gain from disorder*. New York City: Random House Incorporated.
- Vallings, C., & Moreno-Torres, M. (2005). *Drivers of fragility: What makes states fragile?*. Prde working paper no. 7 (<https://b2n.ir/001071>).
- Van Thuyet, P. (1995). Legal framework and private sector development in transitional economies: The case of Viet-Nam. *Law & Pol'y Int'l Bus.*, 27(3), 541-557.
- White, L. H. (2013). Antifragile banking and monetary systems. *Cato J.*, 33(3), 471-484.
- Wiegratz, J. (2009). *Uganda's human resource challenge: training, business culture and economic development*. Harrisburg: African Books Collective.
- Yeager, P. C. (1987). Structural bias in regulatory law enforcement: The case of the US Environmental Protection Agency. *Social Problems*, 34(4), 330-344.